

کسی که قصه دختر شاه پریان را خواند

نگاهی به آثار بهراد امین سلماسی، تصویرگر کتاب های کودکان و نوجوانان

فرشته فرمانی

کارنامه بهراد امین سلماسی

فارغ التحصیل از هنرستان هنرهای زیبا تهران (سال ۱۳۵۲)
 کارشناسی نقاشی از دانشگاه هنر (سال ۱۳۶۲)
 کارشناسی ارشد نقاشی از دانشگاه آزاد (سال ۱۳۷۹)
 اخذ درجه یک هنری، از شورای ارزشیابی هنرمندان کشور، در رشته های
 گرافیک و نقاشی - دکترا (۱۳۸۲)
 برپایی ۲۴ نمایشگاه انفرادی و ۳ نمایشگاه جمعی نقاشی در داخل و
 خارج کشور
 طراح و بک گراندیست در سری فیلم های انیمیشن «چرا و چه طور»،
 به کارگردانی فرشید منقالی
 طراح و کارگردان هنری فیلم های تبلیغاتی
 کارگردان هنری (طراح صحنه و لباس) در فیلم سینمایی ترنج، به
 کارگردانی محمدرضا اعلامی (سال ۱۳۶۴)
 کارگردان هنری (طراح صحنه و لباس) در فیلم سینمایی سال های
 خاکستر، به کارگردانی مهدی صباغ زاده (سال ۱۳۶۵)
 کارگردان هنری (طراح صحنه و لباس) در فیلم سینمایی محموله، به
 کارگردانی سیروس الوند (سال ۱۳۶۶)
 طراح و ناظر هنری غرفه های نمایشگاه
 تصویرگر و طراح بیش از ۲۸ کتاب کودکان و نوجوانان
 طراحی و تألیف ۳ کتاب برای کودکان و نوجوانان
 طراح و مدیر هنری شرکت تبلیغاتی ایما گرافیک (سال ۱۳۶۸ تاکنون)
 مدیر هنری انتشارات امیرکبیر - شکوفه (سال ۱۳۷۰)
 استاد مدعو دانشگاه هنر (سال ۱۳۷۲)
 استاد مدعو دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد (از سال ۱۳۶۹)
 استاد مدعو دانشگاه علم و فرهنگ (جهاد) (از سال ۱۳۷۴)





استاد مدعو دانشگاه جامع علمی- کاربردی
 استاد نمونه فرهنگ و هنر دانشگاه جامع (سال ۱۳۸۵)
 مدیر گروه و عضو کمیته علمی، تخصصی گرافیک دانشگاه جامع
 علمی- کاربردی
 برنده پلاک طلایی، از جشنواره کتاب تهران- نمایشگاه بین المللی
 (سال ۱۳۵۶)
 برنده جایزه اول تصویرسازی، از جشنواره کتاب کودک و اخذ پرنده
 طلایی و دیپلم افتخار (سال ۱۳۶۹)
 برنده جایزه ویژه گرافیک داوران بین المللی، از نمایشگاه بولونیا
 - ایتالیا (سال ۱۹۹۱)
 برنده جایزه بی نظیرترین اثر علمی یونسکو و اخذ دیپلم افتخار
 توکیو- ژاپن (سال ۱۹۹۱)

بهراد امین سلماسی از زبان خودش :

آن چه باعث شد من بعد از فارغ التحصیلی، به رشته تصویرسازی
 روی بیاورم، این بود که آقای فرشید مثقالی، برای یک گراند فیلم‌های
 «چرا و چطور»، احتیاج به ساخت و ساز خیلی دقیق داشت. البته این
 تکنیکی است که بیشتر در تصویرسازی علمی دیده می‌شود و صد البته
 ساخت و ساز دقیق، جزو پروسه‌ای است که هر هنرمند نقاشی باید آن
 را طی کند.

از ۱۴ سالگی و پیش از آن که از وجود هنرستان اطلاعی داشته باشم،
 کتاب‌هایی را که حاوی آثار هنرمندان بزرگ بود، می‌خریدم و بر اساس
 سفارش، تصاویر آن را بازسازی می‌کردم. این باعث شد که در ساخت و
 ساز، بسیار پیشرفت کنم.

مثقالی پس زمینه‌های دقیق می‌خواست. من هم لیوان‌ها و اشیایی با
 جنسیت فلز، شیشه و... و نیز بعضی از بیتوین‌هایش مثل موج دریا و... را
 انجام دادم. (تصویر شماره ۱)

پس از این فیلم انیمیشن، به مرکز سرگرمی‌های سازنده معرفی شدم
 که مدیر هنری‌اش مرتضی ممیز بود. اولین کاری که به من سفارش
 داده شد، خلقت «پرنده‌ها» بود که آن را با تکنیک آبرنگ ساخت و ساز
 کردم که زمان زیادی برد. ممیز از من پرسید: «می‌تونی زمان ده-بسیست
 روز رو به زمان کم‌تری برسونی؟» در جواب گفتم: «باید ببینم!» و آن‌جا
 دستگاهی (ایربراش) دیدم که جدید بود و کسی کار با آن بلد نبود. ولی
 ذهن من را به خود مشغول کرده بود.

با قلم موی ایربراش و گواش یک زمینه زدم و با مداد رنگی روی آن
 کار کردم. داشت جواب می‌داد. زمینه دوم بهتر شد. خلاصه کار ده-بسیست
 روزه، تبدیل شد به یک تصویر در هر روز! (تصویر شماره ۳)

بعد ماهی‌های خلیج فارس را کار کردم و برایم خیلی مهم بود که
 اسم خلیج فارس رویش نوشته شود. همه تصور کردند که نقاشی‌ها،
 عکس است و متوجه نقاشی بودن‌شان نشده بودند. منبع تصویری مناسبی
 نداشتیم، ولی از یکی از دوستانم که در جنوب غواصی می‌کرد، خواستم
 عکس‌هایی برایم از ماهی‌های زیر دریا تهیه کند که کیفیت آن‌ها بسیار بد
 شد. با مراجعه به کتاب‌های مرجع تصویرسازی علمی دنیا، برای تصحیح
 رنگ‌های ماهی‌ها بهره گرفتیم و آن را با تکنیک آبرنگ کار کردم. این
 تصویرسازی‌هایم ریشه تصویرسازی علمی داشت و با ساخت و ساز بسیار
 دقیقی کار شده بود.



پروژه‌ای بود در مجموعه «دوباره نگاه کن»: صدف‌ها، سنگ‌ها، پارچه‌ها... ممیز سوال کرد: «تو رو چی کار می‌کنی؟» من هم فی البداهه گفتم: «من فلزها رو کار می‌کنم».

واقعاً با عشق و علاقه کار کردم و تمام مدت در اوراقی‌ها، میدان شوش و خرابه‌ها، حلبی‌های کهنه و زنگ زده را انتخاب می‌کردم. چون کار برای گروه سنی نوجوان بود، می‌خواستم برخوردی ساده داشته باشم؛ یعنی با این که متریال سخت و غیرقابل انعطافی مثل فلز را انتخاب کرده بودم، نمی‌خواستم اتصال‌ها با جوش باشد و حتی الامکان سوراخ هم نداشته باشد. در حدی که با یک پیچ و مهره ساده یا پیچیدن مفتول قابل اجرا باشد. دست‌هایم زخمی شده بود. عاقبت کتاب چاپ شد، ولی با کیفیت نامطلوب. این کتاب به بولونیا راه یافت. گرچه آن‌جا یکی از معیارهای داوری چاپ مناسب بود، این کتاب چنان مورد توجه قرار گرفت که چاپ بد کتاب را نادیده گرفتند. (تصویر شماره ۲)



۳

یکی از کارهایی که من کاتالوگ آن را بعد از سه سال در کتابخانه دیدم، کتاب «سرزمین آبی»، نوشته محمدرضا یوسفی بود که من در یک هفته طراحی‌اش کردم و با تکنیک ابداعی خودم، طرح‌ها را روی طلق آوردم. از پشت رنگ گذاشتم و روی زمینه‌های آبی کار کردم و در کل ده روز بیشتر طول نکشید. چند تا از تصویرهایش را از جانب بچه‌ای که به نقاشی بسیار علاقه داشت و یکی از شخصیت‌های اصلی داستان بود، کشیدم و بقیه را با توجه به فضای داستان تصویرسازی کردم.

تصویری از این کتاب و تصویری دیگر از کتاب شاه مقوایی، در کتاب‌های آثار منتخب هنرمندان تصویرگر براتیسلاوا، مورد توجه قرار گرفت و چاپ شد. (تصویر شماره ۴)

۴

کتاب‌های دیگری هم بود. تصمیم گرفتم خودم چیزهایی بنویسم که بعضی به نتیجه رسید. یک برداشت آزاد از مولانا بود که در اولین بی‌ینال گرافیک‌ها مطرح شد: «فیل در تاریکی».

با مشاوره‌ای که با مرحوم م. آزاد داشتم، گفتند که این داستان در فرهنگ ایران یک طور آمده و در هند جور دیگر. با این ذهنیت و با برداشتی آزاد، کتاب «فیل که می‌گویند» را طراحی و اجرا کردم که لوح سیاس برای تالیف این کتاب، یکی دیگر از جایزه‌ها را به خود اختصاص داد. (تصویر شماره ۵)

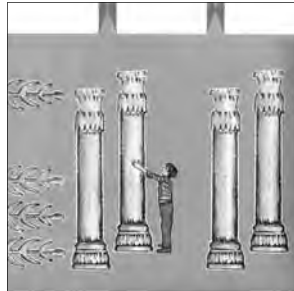
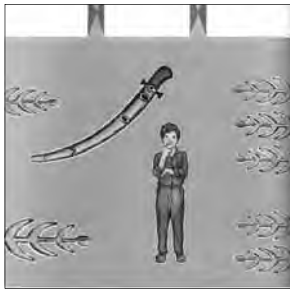


فکر کنم کارهایی که با عشق و علاقه درونی است و صادقانه کار شود، حتماً جواب می‌دهد. در تصویرسازی کتاب، بعضی کارها بیشتر مورد علاقه هنرمند است. در کتاب‌های من هم همین طور است و بعضی از لت‌هایش برایم دلنشین‌تر است.

بعضی از ناشرها کارهای پرکاری می‌خواستند که دوست داشتم کار کنم، اما آن‌ها حاضر نبودند مبلغ مناسب را بپردازند، من هم فقط یک نمونه قبل از قرارداد را کار کردم که در آرشیوم موجود است. چند تا قصه دارم که خودم نوشته‌ام و دوست‌شان دارم و تصویرسازی خواهم کرد. اکثر آن‌ها فضای خیال‌انگیزی دارند.



مادری از ادیسون می‌پرسد: «من برای بچه ام چه کار کنم تا مثل شما بشود؟» ادیسون در پاسخ می‌گوید: «بگو قصه دختر شاه پریون رو بخونه» و این را چند مرتبه سوال می‌کند و همان جواب تکرار می‌شود. واقعاً هم در دوران کودکی و نوجوانی، خیال باید به حد اعلا برسد. بی‌شک در روش‌های آموزشی هم اگر شیوه خلاقانه باشد، بچه‌ها بعدها در هر شغلی که باشند،



چون لذت خیال و خلاقیت را چشیده‌اند، موفق می‌شوند. آن لذت جست‌وجو را در سایر کارها هم تجربه می‌کنند و سرانجام، نسل تغییر می‌کند و مملکت ساخته می‌شود.

در مورد تصویرسازی کودکان و نوجوانان باید بگوییم که بچه‌های زیردستان و دبستان، نیاز به تصاویر گسترده و دو لت دارند. هر چه صفحه از تصویر پرتر باشد، بهتر است؛ چون کودک با تصویر تخیل می‌کند. وجود هارمونی رنگ هم بسیار مهم است. با بالا رفتن سن می‌شود تصاویر را محدود کرد. در سنین پایین، باید از رنگ‌های درجه یک و یا دو استفاده کرد و نه رنگ‌های ترکیبی. میزان بازتابی رنگ‌ها برای کودک جلب توجه می‌کند. کودک نیاز به رنگ دارد. تصویر می‌تواند بدون پرسپکتیو باشد.

نوجوان خودش را شبیه بزرگ‌ترها می‌بیند و تصویر می‌تواند تک رنگ یا دورنگ باشد. یک لت یا یک چهارم صفحه. نوجوان دوست ندارد به کودکی برگردد، بلکه می‌خواهد به بزرگ‌ترها نزدیک شود.

من تصویرسازی شعر را چون عنصر خیال دارد، بیشتر می‌پسندم. شعر همانند یک تابلوست و حال دیگری دارد.

۵

به عقیده من، نمایشگاه‌هایی مثل بولونیا تأثیر مستقیمی بر وضع تصویرگری کتاب کودک کشورمان دارند. تبادل فرهنگ و دانش بین هنرمندان، بالا بردن سطح بینش دست اندرکاران کتاب و کیفیت کارها، از جمله ثمرات این گونه نمایشگاه‌هاست. هنرمند می‌تواند خود و کارش را در این نمایشگاه‌ها ارزیابی کند. هنرمندان ما همواره جزو پیشتازان این عرصه بوده‌اند.



هنر تصویرسازی مثل هر هنر دیگری، دارای اصول و معیارهایی است که تمامی هنرمندان جهان از آن بهره می‌جویند، ولی نکته ظریف و قابل تأمل و تفکر این است که چگونه می‌توان هنرمندی ایرانی بود؟ یا به عبارت دیگر، هنر عرضه شده، چگونه می‌تواند ضمن جهانی بودن، آب و رنگ و بوی ایرانی داشته باشد؟



این در صورتی میسر است که هنرمندان ما تاریخ هنر ایران، سنن و آداب و رسوم این مرز و بوم را کاملاً فراگیرند و با استفاده از تمامی این دانسته‌ها، بین گذشته و حال، پلی بنا کنند و با شیوه‌های بیانی کاملاً امروزی، نو و خلاق، مخاطبان را به آینده‌ای هرچه روشن‌تر، زیباتر و متعالی‌تر راهبر شوند.

تحلیل آثار

گروهی از تصویرسازی‌های بهراد امین سلماسی، به کتاب‌هایی مربوط می‌شود که از سوی انتشارات کانون پرورش فکری و به منظور آموزش کودکان و نوجوانان تهیه شده است و وی آن‌ها را با تکنیک ایربراش و مدادرنگی یا آبرنگ و با مهارت تمام انجام داده است. علی‌رغم نبود منبع تصویری مناسب، تصاویر شبیه عکس است و ساخت و ساز قوی دارد. این نوع کتاب‌های وی، بیشتر در رده تصویرسازی علمی قرار می‌گیرد و هدف، شناساندن دقیق و بهتر حیوانات، مثل پرنده‌ها یا ماهی‌ها، به کودکان و نوجوانان است. این دسته از آثار وی بسیار موفق بوده.

گروه دیگر، تصویرسازی‌های شعرها و داستان‌هایی است که از سوی کانون پرورش و یا نشریات دیگر به ایشان سفارش داده شده؛ کتاب‌هایی هم چون فیل که می‌گویند، گل آفتابگردان، شاه مقوایی، مثل یاس، سرزمین آبی، خاطرات بچه‌های انقلاب (۲).



پرنده و...

در کتاب‌هایی که مختص گروه سنی نوجوانان، یعنی گروه «د» و «ه» است مثل سرزمین آبی، تصویرها تک لت بوده و فضای کوچک‌تری را به خود اختصاص داده است؛ گاهی نیز تا یک چهارم صفحه.

فیگورهای پرتحرک و بسیار بیانگر و اکسپرسیو، توجه به ظرافت‌ها و جزئیات در چهره‌ها و فیگورهای انسانی، برخورد ساده‌تر با زمینه اثر و طراحی‌های مشکی روی زمینه آبی رنگ، نکات قابل توجه کتاب سرزمین آبی است. هرچه توجه به تناسبات و حالات فیگورها بیشتر است، در زمینه کار، مثلاً در فرم خانه‌ها و درخت‌ها، با سادگی مواجه می‌شویم. استاد امین سلماسی، از کیفیت اکسپرسیو مداد کنته و تکنیک ابداعی‌اش که طراحی روی طلق است، سود جسته.

آن‌جا که مخاطب وی گروه سنی «ب»، یعنی سال‌های دوم و سوم دبستان است، مثل کتاب شاه مقوایی، تصاویر تمام صفحه را می‌پوشانند و رنگ‌های تند و هارمونی چشم‌نواز رنگ‌ها جلب نظر می‌کند. هم چنین ترکیب‌بندی‌ها و زاویه دید متفاوت شده است. گاهی جزئی از یک چهره بزرگ‌تر به نمایش درآمده. نقاشی‌ها از جانب یک دختر بچه هشت ساله کشیده شده و سادگی و صراحت و بی‌پیرایگی تصاویر، حس و حال کاری کودکانه را دارد.

او مداد شمعی را برای این کتاب برگزیده؛ چرا که هم اکسپرسیو شدیدی ایجاد می‌کند و هم این که همانند ذهن کودکان، فضای رنگینی به وجود آورده است. در این جا نیز شخصیت‌ها و چهره‌ها بیانگر هستند. گرچه از آن ساخت و سازها خبری نیست، چهره‌ها در عین سادگی بیانگرند.

در اکثر آثار وی، پس زمینه سفید کاغذ دیده می‌شود. او از سفیدی کاغذ، در جهت بیان و ترکیب بهتر و موثرتر سود جسته است. جرأت، جسارت، صراحت و بیانگر بودن از ویژگی آثار سلماسی است.

او سوررئال را با نوعی اکسپرسیو درهم آمیخته. رنگ‌های شاد و درخشان، کنتراست بالا، توجه به عنصر خیال و برخورد بداهه با متن از دیگر خصوصیات آثار وی است. او که خود را بیشتر یک نقاش می‌داند، ردپای نقاشی و روح نقاشانه را در تصویرسازی‌هایش هم آشکار کرده است.

آن‌چه در تصویرسازی‌های بهراد امین سلماسی به خوبی آشکاراست، بیان اکسپرسیو و حالت بیانگر خط‌های اوست. چه آن‌جا که تصویرسازی دوبعدی است، او مداد شمعی را برمی‌گزیند و رنگ‌های تند و دورگیری‌های سیاه، سعی در هرچه بیانگرتر کردن فرم‌ها و شخصیت‌هایش را دارد و چه آن‌جا که پای حجم در میان است، متریکال سخت‌تر و غیرمنعطف را انتخاب می‌کند تا از میان ورقه‌های مس، آهن و...، حیوانات خود را خلق کند.

برخورد خلاقانه وی با موضوع و جرأت و جسارت او در استفاده از ابزارهای جدید و ایجاد فضایی متفاوت، ستودنی است. این برخورد خلاقانه با موضوع را در کتاب «فلزها» که جایزه ویژه گرافیک سال ۱۹۹۱ داوران بین‌المللی بی‌ینال بولونیایی ایتالیا را از آن خود کرد، به وضوح می‌توان دید.

یکی دیگر از ویژگی‌های آثار وی، برخورد تازه و متفاوت با هر کدام از داستان‌هاست. تصاویر هر کتاب، با شیوه‌ای متفاوت و بدیع آفریده شده و متناسب با موضوع کتاب است.

